

تضمینات محاکم

رای محکمه استیناف شعبه تمیزی

در مورد بیکه محکمه وکالت نامه را بعنوان تکذیب طرف رد کرده

که محکمه وکالت نامه وکیل مدعیه را نظیر سایر مدارک دعوی تلقی و محضاً از لحاظ تکذیب طرف نسبت باعتبار آن بدون رسیدگی غیر معتبر تلقی نموده در صورتیکه در مورد وکالت نامه چنانچه ماده ۱۷۵ قانون آزمایش مشعر مراسم خاصی منظور و در فهم رفته علم محکمه بتحقیق وکالت کافی در وکیل شناختن مدعی وکالت است و بعلاوه موافق مادنین ۲۹۱ اصلی و مکرر قانون فوق الذکر دو این مورد اگر وکالت نامه قضائی داشته بایستی از طرف دفتر اخطار لازم بعمل آمده و پس از آن در صورت عدم اقدام برفع نقض محکمه اظهار نظر نسبت بوکالت نامه و اثر عدم تکمیل بشماید که اقدام محکمه بدین رعایت مراتب در رد عرضحال مخالف قانون و باینجهت قرار ممیز عنه علیل و بموجب ماده ۳۴۰ قانون آزمایش بانفاق آراء نقض میشود که مجدداً در بدایت رسیدگی بعمل آمده و رای مقتضی داده شود.

کسی بوکالت از طرف موکل خود عرضحال اعتراض بر ثبت ملک بمحکمه صالحیه داده - محکمه بر اثر ایراد وکیل مدعی علیه باینکه وکالت نامه حالی از وکالت دادن در ثبت است نه اختیار اعتراض بر ثبت قرار در عرضحال معترض را صادر کرده - محکوم علیه عرضحال جدید با وکالت نامه جدیدی تهیه مجدداً عرضحال داده - محکمه صالح بعنوان آنکه (تاریخ تسلیم وکالت نامه معترض بتاریخ تجدید عرضحال و صادر داشته و مثبت وکالت قبلی نیست) عرضحال را رد کرده محکوم علیه استیناف داده محکمه بدایت از لحاظ عدم احراز اصالت اصل ورقه بر اثر تکذیب وکیل معترض علیه حکم صالحیه را تایید کرده - محکوم علیه تمیز خواستند - شعبه تمیزی محاکم استیناف در حکم شماره ۱۲۵۲ مورخ ۱۶/۵/۲۱ پس از رسیدگی چنین رای داده است. از مندرجات قرار ممیز عنه چنین استفاده میشود

رای محکمه استیناف شعبه تمیزی بر نقض

در مورد رد عرضحال استینافی به عنوان آنکه حکم بدوی

بکسی ابلاغ شده که متصدی امور مستانف نبوده

بموجب ماده ۲۴۵ قانون نام برده - طریق ابلاغ احکام مطابق قواعدی است که برای ابلاغ عرضحال و سایر اوراق مقرر است.

بموجب ماده ۲۷ قانون آزمایش - عرضحال را باید مأمور بخود مدعی علیه و اگر نتواند به یکی از اهل خانه یا کسان او که متصدی امور او هستند تبلیغ کنند.

چند نفر معترضین که بموجب حکم محکمه محقق ثبت محکوم به بیحقی شده اند از حکم مزبور به محکمه بدایت استیناف داده و محکمه مزبور عرضحال استینافی آنها را باعتبار آنکه ابلاغ حکم محکومیت آنها بچند نفر دیگر از محکوم علیهم که عهده دار رساندن شده اند از لحاظ معلوم نبودن تصدی آنها نسبت بامور آن چند نفر و بالتسبیح عدم شروع مدت استیناف رد و نسبت بسایرین رسیدگی کرده است محکوم علیهم از قرار مزبور تمیز خواسته - محکمه استیناف شعبه تمیزی در حکم شماره ۱۴۹ مورخ ۱۵۱۲/۱۵ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :

(راجع بر رد عرضحال استینافی اشخاص نام برده شده فوق استدلال محکمه بدایت مخدوش بوده زیرا در این مورد مستأنفین مرقومین خود قبول داشته اند که تاریخ ابلاغ حکم بسایرین تاریخ ابلاغ حکم بخود آنها، حسب و بعد از آن تاریخ تعیین وکیل نموده اند وکیل مشارالیه هم عرضحال استینافی تقدیم کرده که در خارج از موعد قانونی نسبت به تاریخ ابلاغ نبوده است و بالفرض در چنین مورد اصلاح حکم باشخاص مزبور ابلاغ نشده بود همان تقدیم عرضحال استینافی اول مدت استیناف بایستی حساب شود - بنا بر این تقریر از تمیز عهده مبنی بر رد عرضحال استینافی صحیح نبوده و بموجب ماده ۳۴۰ قانون آزمایش نقض میگردد و پرونده به محکمه صادر کننده قرار ارجاع میشود)

رای شعبه تمیزی محکمه استیناف بر نقض

در مورد تأیید حکم بدوی با استناد عدم صلاحیت محکمه

بموجب ماده (۱) قانون تسریع - وقتی در محکمه دیگری همان موضوع میان همان اشخاص در تحت رسیدگی است - مدعی علیه میتواند بدون اینکه جواب مدعی را بدهد ایراد کند .

کسی با استناد قباله خریداری در محکمه صلح اعتراض بر تقاضای ثبت کسی میکند - در خلال امر مدعی علیه تصدیقی نشان داده که همین دعوی در محکمه دیگر میان مدعی علیه و بکی از اربادی ناقل ملک بمدعی در جریان است - محکمه بعنوان اینکه با وجود دعوی مزبور دیگر علنی برای تشخیص حقانیت مدعی متصور نیست حکم بطلان دعوی او را داده است - محکوم علیه استیناف داده - محکمه بدایت بمناسبت اینکه میان بکی از ناقلین و مدعی علیه دعوی در جریان بوده و در طی آن انتقالهایی بعمل آمده تا بمدعی رسیده و این انتقال موجب تجدید دعوی در محکمه دیگری نمیشود و بدین لحاظ ایراد صلاحیت از طرف مدعی علیه وارد است حکم صلحیه را تأیید کرده است - محکوم علیه تمیز خواسته محکمه استیناف شعبه تمیزی در حکم شماره ۷۵۲ بتاريخ

۱۶۳۶/۱۷ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :
(حکم محکمه از این حیث مخدوش است که اولاً - محکمه صلح چنانچه جهت استنادی حکم مزبور حاکی است ناظر بر این بوده که مادام که مالکیت ناقل محرز نگردیده به لاق حق حقی پیدا نمیکند - که بهمین جهت حکم بطلان دعوی را صادر کرده و حکم ممیز عهده بعکس در این زمینه صادر شده که محکمه صلح بواسطه وجود دعوی میان آن دو نفر صلاحیت رسیدگی بدعوی مطروح نداشته که این معنی مفید اینست که محکمه نظر بر رد عرضحال بمبنای عدم صلاحیت محکمه داشته و باین ترتیب تأیید حکم بطلان دعوی مخالف اصول بوده و ثانیاً مجرد وجود دعوی بین آن دو نفر هیچ نوع مانع قانونی از این امر نبوده که محکمه بدوی در دعوی مطروح رسیدگی نماید زیرا دعوی اخیر با دعوی سابق از حیث متداعیین متحد نبوده اند که مجوزی برای رسیدگی دعوی اخیر در بین نباشد که از این جهت هم حکم ممیز عهده غیر موجه و فاقد مستند قانونی است علیهذا حکم ممیز عهده بموجب ماده ۳۴۰ و ۳۴۵ قانون آزمایش با اتفاق آراء نقض میشود . .)

رای شعبه تمیزی استیناف بر نقض

در مورد قرار سقوط دعوی استینافی که اخطار قانونی بمستأنف نشده باشد

بموجب ماده ۳۰۲ قانون آزمایش - اگر مستأنف دعوی خود را بدون عذر موجه سه ماه متوالی ترك نماید بنا برخواست مستأنف علیه محکمه در صورتیکه هنوز از طرف مستأنف تقاضای تعقیب نشده باشد قرار سقوط دعوی استینافی را میدهد و حکم محکمه ابتدائی بمنزله حکم قطعی بشمار میرود و خواه حکم در محکمه استیناف فسخ شده یا نشده باشد از قید جمله (بدون عذر موجه قانونی) و جمله (در صورتیکه هنوز) چنین مستفاد میشود که اولاً باید پس از درخواست اسقاط دعوی از طرف مستأنف علیه - محکمه به مستأنف اخطار کند که حاضر شده و پس از رسیدگی به اظهارات مستأنف اقدام مقتضی بعمل آید . نه آنکه بمجرد درخواست و احراز گذشتن سه ماه محکمه قرار سقوط دعوی را می دهد - ثانیاً باید اخطار قانونی بعمل آید که اگر اخطار طبق مقررات قانونی نباشد قرار سقوط قابل نقض است . کسی در صلاحیه بمدعی به مبلغی بابت مال الاجاره بر کسی دعوی کرده محکمه صلح پس از رسیدگی غیابی و اعتراض حکم بمحکومیت مدعی علیه صادر کرده - محکوم علیه استیناف داده - محکمه بدایت رسیدگی کرده و در خلال جریان امر طرفین بعنوان مذاکرات اصلاحی دعوی را تعقیب نکرده اند .

- پس از گذشتن سه ماه محکمه بدرخواست مستأنف علیه بعنوان آنکه مستأنف اخطار را رؤیت کرده و حاضر

نشده قرار سقوط دعوی استینافی را صادر کرده است - محکوم علیه از قرار مزبور تمیز خواسته و چنین اعتراض کرده (عملیات مستدعی علیه حق حضور را از مستدعی سلب نموده است چه آنکه مستدعی محل اقامت حقوقی خود را معرفی نموده و مستدعی علیه در ذیل اخطار به جای دیگر را معرفی نموده است و دیگر محکمه جلسه رسیدگی را هم اشتباه کرده است زیرا روز ۲۵ آبان یوم دوشنبه بوده نه چهارشنبه بملاوه چون روز مزبور ماه رمضان بوده تعیین جلسه رسیدگی بچهار قبل از ظهر بيمورد بوده است و اخطار به هیچوجه بر رؤیت نرسمده و در ذیق ورقه جای مهر و امضایی دیده نمیشود)

محکمه استیناف شعبه تمیزی در حکم شماره ۸۰۷ مورخ ۱۳/۳/۱۶ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :

(در اخطار اخیر محکمه بدایت دائر بدعوت مستدعی برای روز دوشنبه ۳۵ آبان ۱۵ در محل رؤیت این عبارت قید شده (از طرف) بدون اینکه مهر و محل انگشتی استعمال و یا معلوم بشود نویسنده عبارت مزبوره کیست و بدون اینکه مأمور ابلاغ راجع بکیفیت جریان ابلاغ نکات لازمه را در ورقه رسید مطابق ماده ۳۰ قانون آزمایش فید نماید بنابراین اخطار مزبور را نمیتوان قانونی تلقی نموده و باین مناسبت قرار ممیز عمه مخدوش و بموجب ماده ۳۰ قانون آزمایش باتفاق آراء نقض میشود که مجدداً در محکمه ابتدائی مرجع دعوی استینافی و سببگی بعمل آید .)

رای محکمه استیناف شعبه تمیزی بر نقض

در موردیکه بدعوای جعل از لحاظ آنکه پس از ارجاع به حکمیت بوده ترتیب اثر نداده

طبق ماده ۱۶ قانون حکمیت - هرگاه ضمن رسیدگی کشف اوضاع و احوالی شود که مربوط بجنحه یا جنایت و در رأی حکم مؤثر و تفکیک آنها ممکن نباشد باید حکمها دعوی را بمحکمه ارجاع کنند یا محکمه صلاحیت دار رجوع کنند که رسیدگی کند پس از صدور حکم قطعی جزائی حکم ابلاغ به حکمها میشود و مدت قانونی حکمیت از تاریخ ابلاغ تجدید میشود - دعوی جعل و تزویر در سند بدون تعیین جاعل و مزور ... از قبیل امور جنحه و جنایت نیست کسی در محکمه صالح اقامه دعوی کرده محکمه بتواند عدم ثبوت دعوی مدعی را محکوم به بیحقی کرده و محکمه بدایت باستدلال این که صحت انتساب سند یا شهادت شهود و با اوضاع و احوال امر مسلم است مدعی علیه را غیبا محکوم کرده و در مرحله اعتراضی وکیل محکوم علیه دعوی جعل و جاعل را معرفی کرده و وکیل مدعی این دعوی را بیمورد دانسته و کلاً طرفین بحکمیت انفرادی بکنفر تراضی کرده و محکمه طبق آن قرار صادر کرده و شخص محکوم علیه بر قرار مزبور اعتراض کرده که اولاً باید محکمه پرونده را برای رسیدگی بدعوی جعل بپار که بفرستد و ثانیاً وکیل وکالت در تعیین حکم نداشته و در این ضمن رأی حکم مبنی بر صحت اصالت سند و محکومیت مدعی علیه بمحکمه رسیده و محکمه

استیناف پس از مراجعه بلا یحی وکیل معترض که همب اظهارات موکل را تعقیب کرده رسیدگی کرده و حله غیابی را بی اشکال دانسته و مدعی علیه را (استدلال اینکه دعوی جعل و تعیین جاعل در مرحله استینافی و بعد از تعیین حکم شده و طبق عقیده حکم صحت و رقه و عدم معجولیت آن محرز است) محکوم بپرداخت مدعی به کرده است - محکوم علیه تمیز خواسته ... محکمه استیناف شعبه تمیزی در حکم شماره ۲۳۲۰ مورخ ۱۷/۷/۱۶ چنین رأی می دهد:

(مستدعی تمیز در مرحله اعتراض بر حکم غیابی استینافی دعوی جعل نسبت بمدرک دعوی نموده و جاعل را معرفی با این وصف ارجاع قضیه بحکم مورد نداشته بموجب ماده ۱۰۳ اصول آزمایش میبایست محکمه از رسیدگی خودداری پرونده را برای رسیدگی بپار که بفرستد رسیدگی این گونه دعوی از صلاحیت حکم خارج بموجب مقررات قانون حکمیت اگر در هنگامی هم که کار در تحت نظر حکم میبایست چنین دعوی شود میبایست حکم از رسیدگی خودداری کند بنابراین رسیدگی محکمه برخلاف اصول محاکمه بوده حکم ممیز غنه بموجب شق ۳ از ماده ۳۴۰ اصول آزمایش باتفاق آراء نقض می شود ...)